

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی خانواده بر خشونت علیه زنان در خانواده در شهر بابلسر

علی اصغر عباسی اسفجیر^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۳۰

از صفحه ۹۱ تا ۱۱۳

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه همسر می باشد. روش تحقیق، پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه بوده است که روایی (Reliability) آن از طریق آلفای کرونباخ و اعتبار (Validity) آن از طریق اعتبار محتوا تایید شده است. جامعه آماری تحقیق، متشکل از کلیه زنان متاهل ۱۵ تا ۴۵ ساله ساکن شهر بابلسر بوده است. در مجموع ۴۰۰ نفر از این افراد به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. چارچوب نظری تحقیق عبارت از نظریه سرمایه اجتماعی کلمن و متغیرهای سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده و سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده از نظریات وی استخراج شده اند. از میان چهار متغیر مستقل، سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده با ضریب تأثیر رگرسیونی $(\beta = -0.37)$ ، مهم ترین تبیین کننده خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه زنان بوده است و متغیرهای سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده، سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده و سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده به ترتیب به عنوان تبیین کننده های بعدی متغیر وابسته مطرح بوده اند.

کلید واژه ها: سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده و سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده

مقدمه و طرح مسئله

خشونت پدیده‌ای تاریخی و جهانی است که در همه جوامع و تمام ادوار وجود داشته است (اعزازی، ۸۴: ۱۴). پس از تلاش های فعالان حوزه زنان، سازمان ملل، در قطعنامه مربوط به حذف خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳، خشونت علیه زنان را به این صورت تعریف کرده است: «هر گونه رفتار خشن وابسته به جنسیت، که موجب آسیب جسمی، جنسی یا روانی و یا رنج زنان، شود؛ چنین رفتاری می تواند با تهدید، اجبار یا سلب مطلق اختیار و آزادی صورت گرفته و در جمع یا خفا رخ دهد.» (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰).

زن و مرد عناصر اساسی پایداری در خانواده هستند و ادامه موجودیت خانواده، متکی به نقش آفرینی آنها می باشد. نقش حساس زن در امور خانواده به دلیل تربیت و سازندگی، امر مهمی است. وجود زن موجب پیوند اخلاقی و عاطفی اعضای خانواده می شود. این هدف در حالی میسر می شود که زنان به عنوان پرورش دهندگان نسل آتی در محیطی آرام، مطمئن و دور از خشونت به سر برند، اما متأسفانه امروزه خانواده، این محل سکونت نیز در معرض آسیبها و ناامنی های بسیاری قرار گرفته است، به طوری که اشخاص در این مکان، به جای تجربه مفاهیم مثبتی چون محبت، همدلی و ایثار، خشونت را توسط نزدیکان و اعضای خانواده تجربه می کنند (سازمان جهانی بهداشت، ۱۳۸۰). هم اکنون خانواده های معاصر دچار انواع آسیب های اجتماعی می باشند، طلاق، اختلاف خانوادگی، بد رفتاری با سالخوردگان، خودکشی، کودک آزاری و خشونت خانوادگی. این آسیب ها موجب می شود که خانواده نتواند به یکی از کارکردهای اساسی خود یعنی تزریق محبت و عاطفه و وجدان اخلاقی به مجموع عناصر خویش عمل کند. هرگاه بنیان عاطفی و اخلاقی خانواده که از همبستگی میان اعضای آن نشات می گیرد متزلزل شود، تصور آسیب های اجتماعی نیز دور از ذهن نخواهد بود (مشکانی، ۷۴: ۱۵).

در بحث خشونت این موضوع که زنان به طور قاطع بیش از مردان قربانی خشونت هستند به عنوان امری مسلم پذیرفته شده است. بنابر آمار جهانی حدود ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان و تنها ده درصد مردان هستند (۳). آن چه بیشتر تاسف بر می انگیزد این است که زنان به عنوان گروهی ویژه همچنان که در جامعه مورد خشونت قرار می گیرند، در خانواده نیز مورد بهره کشی دیگر اعضای خانواده به ویژه همسرانشان قرار می گیرند و قربانی انواع خشونت های بدنی و روانی می شوند که آثار و پیامدهای سوء برای آنها به وجود می آورد (سازمان

جهانی بهداشت ، ۱۳۸۰). واقعیت این است که خشونت ممکن است اثرات طولانی مدتی بر رفتار فرد قربانی باقی بگذارد و سلامت جسمی- روانی و قدرت سازگاری او را کاهش دهد و روابط خانوادگی و اجتماعی او را از حال عادی خارج سازد(پور موسی، ۱۳۸۰).

خشونت علیه زنان یکی از ابعاد خشونت خانوادگی می باشد، خشونت علیه زنان موضوعی است که هم در محدوده عمومی (جامعه) و هم در محدوده خصوصی (خانواده) اتفاق می افتد. (کار، ۱۳۸۰). از سوی دیگر، خشونت علیه همسران در فضایی رخ می دهد که از ویژگی های آن عدم وجود تفاهم و گفتگو در روابط اجتماعی است. کلمن بر این باور است که رابطه میان افراد در خانواده شاخصی از سرمایه اجتماعی به حساب می آید. به عبارت دیگر، کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و به طور کلی میزان روابط میان همسران از شاخص های سرمایه اجتماعی محسوب می شوند (رایت و همکاران، ۲۰۰۱). در تعریف کلمن از سرمایه اجتماعی، نظام مفهومی خانواده مفهومی بنیادی به شمار می رود. از آنجا که سرمایه اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هزینه های فعالیتها و موفقیت افراد در دستیابی به اهداف خود دارد، یکی از موضوعات پژوهشی مرتبط با نهادهای اجتماعی است. طی چند دهه گذشته فرسایش شدیدی در سرمایه اجتماعی، هم در درون خانواده و هم در بیرون آن روی داده است. (علیوردی نیا و ریاحی و فرهادی، ۱۳۸۷). در خانواده رشد سرمایه انسانی بسیار زیاد شده است به طوری که سطح تحصیلات دائماً در حال افزایش است، ولی به موازات رشد سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی که شاخص برجسته آن میزان گفتگو در مورد موضوعات اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بین همسران است کاهش یافته است. (شارع پور، ۱۳۷۹: ۱۶). از این رو سوال تحقیق حاضر اینگونه مطرح می گردد که زنان متأهل تا چه حد از خشونت روانی و عاطفی همسران رنج می برند و سرمایه اجتماعی خانواده چه تاثیری بر این خشونت دارد؟

پیشینه پژوهش

قراچه و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی «بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متأهل» پرداختند. هدف این پژوهش، تعیین ارتباط بدرفتاری همسر با کیفیت زندگی زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی- درمانی است. بدین منظور، ۱۰۰۰ نفر از زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی شهر گچساران، به شیوه در دسترس انتخاب شدند و از نظر بدرفتاری از سوی همسر و کیفیت زندگی، مورد آزمون قرار گرفتند. یافته های بدست آمده از مطالعه ی حاضر، نشان داد که

کیفیت کلی زندگی زنانی که بدرفتاری همسر را تجربه کرده بودند در مقایسه با زنان مشابه که فاقد بد رفتاری همسر بودند، در وضعیت پایین تری قرار دارد و مقایسه میانگین نمره ها به صورت کلی و هر حیطه به طور جداگانه در دو گروه معنی دار بوده است. در این مطالعه، بدرفتاری عاطفی-روانی از سایر انواع بدرفتاری، شایعتر بود. به نظر میرسد که الگوی خشونت همسر بیشتر محدود به بدرفتاری عاطفی و کلامی یا تهدید به خشونت جسمی باشد. نتایج، نشان داد که کیفیت زندگی ۴۶/۱ درصد از زنان شرکت کننده که مورد بدرفتاری همسر قرار گرفته بودند، در مقایسه با زنانی که مورد بد رفتاری واقع نشده بودند، پایین تر بود (قراچه و همکاران، ۱۳۹۰).

ملکی و نژاد سبزی (۱۳۸۹) در مقاله ای تحت عنوان «رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد» پرداختند. محققان کوشیده اند تا از دریچه روابط حاکم در خانواده به بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی خانوادگی و مولفه های آن بر خشونت خانگی علیه زنان در شهرستان خرم آباد بپردازد. جامعه آماری در این تحقیق زنان شوهردار تحت پوشش مراکز بهداشتی-درمانی شهری شهر خرم آباد بوده اند که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۳ نفر انتخاب بررسی شدند. یافته های تحقیق حاکی از آن است که کمترین تجربه خشونت خانگی در حوزه خشونت فیزیکی مستقیم و بیشترین موارد در حوزه خشونت فیزیکی غیر مستقیم و روانی-عاطفی است، در حدود نیمی از افراد بررسی شده دارای سرمایه اجتماعی خانوادگی در حد زیاد و خیلی زیاد و ما بقی دارای سرمایه اجتماعی متوسط و کم بودند، سرمایه اجتماعی و مولفه های آن نقش تعیین کننده ای در خشونت خانگی علیه زنان داشتند، به نحوی که سرمایه اجتماعی به تنهایی ۵۸ درصد واریانس خشونت خانگی را تبیین می کند، در تحلیل چند متغیره، پس از سرمایه اجتماعی، متغیر تحصیلات زن مهمترین تبیین کننده خشونت خانگی علیه زنان و موثرترین منبع با ارزش اجتماعی در فرایند توانمند سازی زنان شناخته شد (ملکی و نژاد سبزی، ۱۳۸۹).

چان (۲۰۱۱) در مقاله ای با عنوان «همزمانی وقوع همسر آزاری و کودک آزاری در خانواده های چینی هنگ کنگ»، نمونه ای متشکل از ۲۳۶۳ نفر از والدین چینی مقیم هنگ کنگ را برگزیده است تا مقیاس تضاد و پرسش های دموگرافیک را مورد آزمایش قرار دهد. نتایج حاصل از این بررسی حاکی از آن است که خشونت های فیزیکی و روانی بیشترین میزان همبستگی را در زنان و کودکان داشته اند لذا کودک آزاری در بستری از همسر آزاری رخ می نماید. لذا اتخاذ

برنامه‌هایی در جهت کاهش خشونت علیه همسران می‌تواند بستر خشونت علیه کودکان را بخشکاند (چان، ۲۰۱۱).

کاپزا و آریاگا (۲۰۰۸) در مقاله خویش با عنوان «عوامل موثر بر پذیرش خشونت روان‌شناختی علیه زنان» به عرصه نگارش در آورده‌اند. این مقاله با بهره‌گیری از ۱۸۰ نفر سطح خشونت شوهران را مورد سنجش قرار داده است. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که پاسخگویان خشونت روانی را در قبال دیگر انواع خشونت به حساب نمی‌آورند. علاوه بر این، جنسیت و جهان بینی پاسخگویان بر اعمال خشونت روانی پاسخگویان تأثیر معناداری نداشته است. محققان در پایان به این نتیجه رسیده‌اند که پاسخگویان زیان‌ها و مضرات اعمال خشونت روانی را به اندازه دیگر انواع خشونت جدی نمی‌پندارند (کاپزا، ۲۰۰۸).

نگاهی به مطالعات انجام شده در بسیاری از کشورها در دهه اخیر نشان می‌دهد که بررسی خشونت یکی از دشوارترین نوع تحقیقات است که در علوم اجتماعی وجود دارد. از مهم‌ترین دشواری‌های آن یکی مشکل ارائه تعریف دقیق از خشونت در بررسی‌ها است؛ هم چنین موضوع امکان پاسخ‌دهی غلط به پاسخ‌های پرسشگر به علل مختلفی مانند ترس، خجالت، فراموشی و نظایر آن. نامشخص بودن جامعه آماری نیز در اکثر اوقات باعث می‌شود که بررسی‌ها تنها به اماکنی که زنان کتک خورده به آنان مراجعه می‌کنند محدود شود که هر چند به کسب اطلاعات عمیق از روند خشونت می‌انجامد اما اطلاعاتی در خصوص گستردگی آن در جامعه نمی‌دهد. از طرف دیگر انجام پیمایش خشونت نیز مشکلاتی دارد که هر چند در برگیرنده افراد قربانی و افراد معمولی است و امکان مقایسه می‌دهد، اما تنها به طرح سؤالات سطحی می‌پردازد و پویایی خشونت در خانواده مدنظر قرار نمی‌گیرد.

مبانی نظری

محققان و نظریه پردازان بسیاری در مورد خشونت علیه زنان و علل آن سخن گفته‌اند و تحقیقات بسیاری بر اساس نظریات آنان انجام شده است. در این بخش از تحقیق و پیش از ورود به مباحث چارچوب نظری تحقیق، نیاز است تا به اجمال برخی از مهم‌ترین نظریات مورد بررسی قرار گیرند و در مورد آنها سخن گفته شود.

نظریه منابع^۱ یکی از اولین نظریه‌هایی بود که ویلیام گود^۲ در مورد خشونت

۱. Resource Theory

۲. Wilism Good

خانوادگی مطرح کرد. این نظریه بر منابع مختلف افراد جهت به دست آوردن قدرت در روابط خانوادگی تأکید می‌کند. بر پایه این نظریه خانواده مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظامی اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیش از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد. از نظر گود پایه‌گذار این نظریه، سیستم‌های اجتماعی تا حدودی به زور و قدرت متکی هستند. خشونت و تهدید برای سازمان سیستم‌های اجتماعی که خانواده نیز جزئی از آن است ضروری به نظر می‌رسد. او خاطر نشان می‌کند که خشونت، به معنای عدم برخورداری از منابعی مانند پول و صفات فردی است که می‌تواند برای جلوگیری از اعمال ناخواسته یا اعمال رفتارهای مورد نظر به کار رود. هرچه منابع در دسترس فرد بیش تر باشد، توانایی فرد برای استفاده از قدرت بیش تر می‌شود و بنابراین احتمال کمتری می‌رود که از خشونت استفاده کند. (علیوردی نیا و همکاران).

نظریه یادگیری اجتماعی^۱، در باب خشونت اجتماعی این نظریه معتقد است نوع رفتار والدین با یکدیگر و شیوه تعامل آنها با کودکان مدل‌های نقشی مهمی برای کودکان به حساب می‌آیند، بنابراین کودکانی که شاهد رفتارهای پر خاشگروانه والدین می‌باشند، این مدل را به عنوان، روش حل مشکلات می‌آموزند. از این رو، به نظر می‌رسد تجربه رفتارهای متعارض والدین، فقدان عملکرد مناسب و مشاهده پر خاشگروانی آنان از سوی کودکان می‌تواند احتمال ارتکاب آنان به خشونت و همسر آزاری را در بزرگسالی افزایش دهد (همتی، ۱۳۸۲).

تئوری فرهنگ خشونت^۲، در این دیدگاه، تئوریسین‌ها استفاده از خشونت به مثابه سرگرمی و وسیله‌ای برای فروکش کردن بحث و جدل در سطوح فردی و ملی را مویده نظریات خویش پنداشته و اظهار داشته‌اند که خشونت در تمام سطوح جامعه به عنوان وسیله‌ای پذیرفته شده برای حل مشکلات، به کار گرفته می‌شود. از این رو، برای از میان بردن خشونت، ساخت‌دهی مجدد متغیرهای فرهنگی جامعه ضروری است. به عبارت دیگر، برای جلوگیری از خشونت شوهران، ضروری است که اطمینان مردان به نتیجه بخش بودن خشونت، به عنوان وسیله‌ای برای حل تضاد جایگزینی بیابد (آگنیو، ۱۹۹۲).

تئوری مبادله^۳، گلز، خشونت را از دیدگاه مبادله بدین صورت توصیف می‌کند: از منظر نظریه مبادله، در یک رابطه خشونت آمیز میان زن و شوهر، نسبت سود و هزینه

۱. Social Learning Theory

۲. Culture of Violence Theory

۳. Exchange Theory

به شکل زیر است: شوهر زن خود را کتک می زند و از دید او این رفتار به حق است؛ زیرا زن رفتاری مطابق میل او ندارد پس رابطه هزینه (سرمایه گذاری هایی که برای خانواده کرده است) و سود (رفتار مطابق میل همسر) نامناسب است و نارضایتی و تعارض به وجود آمده، خاتمه بخشیدن به این وضعیت را ضروری می نماید. در نتیجه شوهر سعی می کند با در پیش گرفتن رفتار خشونت آمیز، مجدداً تعادل را به خانواده بر گرداند (اعزازی، ۱۳۸۰).

تئوری فشار^۱، تئوری فشار اظهار می کند وقتی یک نفر برای رسیدن به موفقیت نهایی یا تأمین ابزار آن ناتوان است، فشار ایجاد می شود. این فشار در برخی شرایط، ممکن است منجر به انجام رفتار مجرمانه شود. همین رویکرد در خانواده نیز ممکن است رخ دهد. یعنی، وقتی شوهر به هر دلیلی نتواند به خواسته های خود و خانواده اش دست یابد یا وسیله رسیدن به آنها را فراهم نماید، دست به خشونت علیه همسرش میزند (آگنیو، ۱۹۹۲).

چار چوب نظری

در این تحقیق برای تبیین خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان از نظریه سرمایه اجتماعی کلمن استفاده شده است. کلمن در تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریف کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه می دهد. سرمایه اجتماعی در برگیرنده موجودیتهای مختلفی است که تمامی آنها در دو عنصر مشترک هستند، یعنی همه آنها جنبه ای از ساخت اجتماعی را در خود دارند و واکنش معینی از کنشگران را در درون این ساختار تسهیل میکنند. سرمایه اجتماعی همانند دیگر اشکال سرمایه مولد است. سرمایه اجتماعی برخلاف اشکال دیگر سرمایه، در ذات ساختار روابط میان کنشگران وجود دارد. کلمن پس از این تعریف از سرمایه اجتماعی، مجموعه های مختلفی از کنشها، پیامدها و روابط را سرمایه اجتماعی می نامد. از نظر او سرمایه اجتماعی ذاتاً قادر به کار است و سرمایه اجتماعی هر آن چیزی است که به مردم و نهادها امکان عمل می دهد. سرانجام اینکه سرمایه اجتماعی از نظر کلمن به لحاظ هنجاری و اخلاقی خنثی است، یعنی نه مطلوب است و نه نامطلوب و صرفاً با فراهم کردن منابع لازم، وقوع کنشها را امکان پذیر میسازد (کلمن ۱۳۷۷). او شاخص های زیر را برای سرمایه اجتماعی در نظر می گیرد: ۱) تعهدات ایجاد شده ۲) دسترسی اطلاعات ۳) هنجارهای اجتماعی ۴) اقتدار ۵) هویت (کلمن ۱۳۷۷) از نظر کلمن سرمایه اجتماعی در نهایت برای افراد سرمایه انسانی به همراه دارد.

۱. Strain Theory

جیمز کلمن برای سرمایه اجتماعی سه شکل را متصور می شود:

۱. تکالیف و انتظاراتی که بستگی به میزان قابل اعتماد بودن محیط اجتماعی دارند.
۲. ظرفیت اطلاعات برای انتقال و حرکت در ساختار اجتماعی تا بتوان پایه‌ای برای کنش فراهم آورد.

۳. وجود هنجارهایی که توأم با ضمانت اجرایی مؤثر باشند. (کلمن ۱۳۷۷)

سرمایه اجتماعی از تغییراتی در روابط میان اشخاص حاصل می شود که کنش را تسهیل می کند. اگر سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و در قالب مادی قابل مشاهده ریخته می شود، و اگر سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارت‌ها و دانش اخذ شده به وسیله فرد حضور دارد، سرمایه اجتماعی به مراتب ناملموس‌تر است زیرا در روابطی که در بین اشخاص برقرار است یافت می شود، همانطور که سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فعالیت مولد را تسهیل می کنند، سرمایه اجتماعی هم همین کار را انجام می دهد. (کلمن ۱۳۷۷).

مهمترین ویژگی سرمایه اجتماعی از نظر کلمن نظام تعهدات و انتظارات است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۳). از نظر کلمن سرمایه اجتماعی منبعی است که بر مبنای آن کنش‌های دیگر و کنش‌های جمعی برای تأمین منافع متقابل انجام می شوند. منشاء سرمایه اجتماعی ساختار اجتماعی است. در نظر کلمن، سرمایه اجتماعی مقوله‌ای ساختاری است و نه چیزی که خصلت اجتماعی - روان شناختی داشته باشد. (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۸۷). سرمایه اجتماعی برخلاف سرمایه‌های متعارف «کالایی همگانی» است، یعنی در مالکیت خصوصی کسانی که از آن سود می برند نیست. جیمز کلمن، در نتیجه گیری خود می نویسد: «سرمایه اجتماعی همچون دیگر شکل‌های سرمایه، بسیار پربار است و نیل به اهداف ویژه‌ای را میسر می سازد که بدون آن امکان پذیر نیست». (پاتنام، ۱۳۷۷). کلمن بیشتر توجه خود را به سرمایه اجتماعی موجود در قلمرو خانواده معطوف کرده است (شارع پور، ۱۳۸۴).

در نظریه کلمن دو عنصر کلیدی سرمایه اجتماعی خانواده، یکی شبکه‌هاست که یک عنصر عینی می باشد و دیگری هنجارها که یک عنصر ذهنی است. متغیر سرمایه اجتماعی خانواده چندین معرف را ارزیابی می نماید. اول اینکه تعیین می نماید که افراد خانواده چه مقدار از زمان را به صحبت کردن و گذراندن اوقات فراغت با یکدیگر در طول روزهای هفته صرف می کنند. کلمن استدلال نموده که صرف زمان افراد خانواده با یکدیگر، عامل اصلی برای سرمایه گذاری منابعی است که آنها را تحت تأثیر قرار می دهد. خانواده‌هایی که سرمایه اجتماعی بالایی دارند هدف از صرف کردن در وقت و انرژی برای اعضای خانواده، به وجود

آوردن افرادی است که از لحاظ اجتماعی و از لحاظ روانشناختی سازگار هستند، به نظر کلمن یکی از مکانیسم‌هایی که در درون خانواده‌ها برای رسیدن به این اهداف به کار برده می‌شود ایجاد و حفظ پیوندهای عاطفی پایدار است. بنابراین بخش عظیم نتایج بی‌واسطه‌ای که از سرمایه گذاری خانواده نشأت می‌گیرد، پیوندهای عاطفی است که از طریق کنش متقابل حمایتی خانواده پدید می‌آید. وی معتقد است پیوند خانوادگی به عنوان یک مجرا عمل می‌کند که از طریق آن اجتماعی شدن مؤثر اتفاق می‌افتد. معرف دوم سرمایه اجتماعی خانواده، وابستگی خانوادگی را می‌سنجد که عبارتند از، کارهایی که خانواده با هم انجام می‌دهند و معرف سوم نگرش همسران نسبت به یکدیگر است؛ یعنی زمانی که همسران فکر می‌کنند همسر دیگر وظایف خود را به درستی انجام می‌دهد (علیوردی نیا و همکاران).

دو دسته سرمایه اجتماعی مورد نظر کلمن (ساختاری و شناختی) در درون خانواده و بیرون از آن می‌توانند پناهگاه‌هایی برای زنان باشند که در مواقع لزوم از آنها برای مقابله علیه خشونت شوهران سود جویند. به بیان ساده تر، زمانی که زنان به سرمایه اجتماعی بیشتری در درون یا بیرون از خانواده دسترسی داشته باشند، این سرمایه‌ها می‌توانند حکم نقطه اتکای آنها در برابر خشونت شوهرانشان را داشته باشند و آنها را در برابر خشونت شوهرانشان مقاوم‌تر سازند. لذا عدم در دست داشتن چنین نیروهایی نیز می‌تواند زن را در نقطه ضعف در مقابل شوهرش قرار دهد و وی را در وضعیتی آسیب پذیر نسبت به طرف مقابل بنشانند که چنین موقعیتی می‌تواند به تشدید خشونت علیه زن منجر شود. لذا بر اساس نظریات کلمن سرمایه اجتماعی چه در درون خانواده و چه در بیرون آن، چه به شکل شناختی و چه به صورت ساختاری توانایی مقابله و کاهش خشونت را برای زنان فراهم می‌آورد.

روش تحقیق

این پژوهش به روش پیمایشی^۱ صورت گرفته است و ابزار جمع‌آوری داده‌ها نیز، پرسش‌نامه بوده است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه زنان متأهل ساکن شهر بابلسر که در دامنه سنی ۴۵-۱۵ سال واقع شده‌اند، تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار منتشر شده در سرشماری سال ۱۳۸۵ میزان جمعیت زنان شهر بابلسر برابر با ۳۰۳۷۲ نفر بوده است که تعداد ۱۳۸۶۵ نفر در بازه سنی ۱۵ تا ۴۵ سال جای داشته‌اند و متأهل بوده‌اند. نمونه‌گیری در این تحقیق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است. حجم نمونه این تحقیق از طریق فرمول کوکران برابر با ۳۹۷ نفر محاسبه

۱. Survey

شده است. با توجه به وجود برخی پرسشنامه‌های مخدوش تعداد ۴۱۰ پرسشنامه در بین زنان مورد نظر توزیع گشت که با کنار گذاردن ۱۰ پرسشنامه، تعداد ۴۰۰ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. واحد تحلیل در این پژوهش فرد می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع آوری شده از نرم افزار SPSS، از روش‌های آماری توصیفی (جداول توزیع فراوانی) و آماره‌های استنباطی (رگرسیون چند متغیره) استفاده شده است.

اعتبار^۱ و روایی^۲ ابزار سنجش

منظور از اعتبار یک تحقیق، میزان دقت شاخص‌ها و معیارهایی است که در راه سنجش پدیده مورد نظر تهیه شده‌اند (۱۷). با مطالعه اکتشافی انجام شده، برای کسب اطلاع از اعتبار پرسشنامه تحقیق از اعتبار محتوا^۳ استفاده شد. یکی از مسائلی که در ارزشیابی ابزار تحقیق اهمیت دارد، روایی آن است. هر وسیله‌ای یا ابزاری که روایی آن پایین باشد، چیزی جز عوامل تصادفی را منعکس نمی‌سازد. چنین ابزاری نه با خودش همبستگی دارد نه با چیز دیگری. روایی این است که اگر چیزی را به طور مکرر بسنجیم، نتیجه یکسان باشد (چلبی، ۱۳۸۰). از میان همه روش‌های ممکن برای آزمون روایی استفاده از مشخصه‌های آماری پرسش‌های یک مجموعه که مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است، استفاده از روش رایج برآورد ضریب روایی است. ضرایبی که از این طریق به دست می‌آیند چون بستگی به میزان هماهنگی کارکرد آزمودنی‌ها از یک پرسش به پرسش دیگر دارند، شاخص ثبات یا هماهنگی درونی مواد آزمون و در واقع معرف میزان هم‌پوشی پرسش‌های مختلف آن از لحاظ سنجش یک ویژگی مشترک است (چلبی، ۱۳۸۰). برای سنجش روایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج اولیه سنجش روایی مقیاس‌های تحقیق در جدول (۱) نشان داده می‌شود.

۱. Validity

۲. Reliability

۳. Content Validity



جدول (۱) ضرایب آلفای کرونباخ نهایی مقیاس‌ها

| ردیف | مقیاس / ابعاد | تعداد گویه | آلفای کرونباخ |
|------|--------------------------------------|------------|---------------|
| ۱ | سرمایه اجتماعی درون خانواده | ۳۱ | ۰/۸۶ |
| ۲ | سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده | ۱۵ | ۰/۷۴ |
| ۳ | سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده | ۱۶ | ۰/۸۶ |
| ۴ | سرمایه اجتماعی بیرون خانواده | ۳۹ | ۰/۸۸ |
| ۵ | سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده | ۱۷ | ۰/۸۴ |
| ۶ | سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده | ۲۲ | ۰/۸۵ |
| ۷ | خشونت روانی | ۷ | ۰/۷۸ |

چنانکه از جدول نیز بر می آید، هیچ یک از مقیاس‌های تحقیق از ضریب آلفای کمتر از ۰/۷ برخوردار نبوده‌اند. در مجموع، نتایج حاصل از آزمون روایی حاکی از آن است که مقیاس‌های ساخته شده برای این تحقیق به خوبی از عهده سنجش مفاهیم مورد نظر برآمده‌اند.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته تحقیق حاضر «خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه زنان» می‌باشد. در این تحقیق، این متغیر، رفتار خشونت آمیزی است که شرافت، آبرو و اعتماد به نفس زن را خدشه دار می‌کند. این رفتار به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، تمسخر، توهین، فحاشی، متلک، تهدیدهای مداوم به طلاق دادن یا ازدواج مجدد اعمال می‌شود. به علاوه، این نوع خشونت به عنوان «کوتاهی در برآوردن نیازهای فیزیولوژیک زن مانند سرپناه، امنیت، فراموش کردن زمان‌ها و رفتارهایی که برای همسر اهمیت دارد مثل سالگرد ازدواج، تولد و ...» نیز تعریف شده است گویه‌های ۱-۴ و ۱۱-۱۳ سوال پرسشنامه برای این منظور طراحی شده است (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰).

❖ سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده

به جنبه‌های قابل رویت و شاید عینی‌تر و قابل لمس‌تر مفهوم سرمایه اجتماعی که در روابط غیررسمی، شدید، بادوام و چهره به چهره درون خانواده وجود دارد، اشاره می‌کند. این متغیر در بردارنده وسعت و شدت عینی پیوندها و روابط درون خانواده را شامل می‌شود (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰). برای سنجش این متغیر دو بعد تعامل بین همسران و حضور همسران در خانواده در نظر گرفته شده است.

❖ سرمایه اجتماعی بیرون خانواده

این نوع از سرمایه اجتماعی منحصرأ در خانواده جای ندارد بلکه می‌توان آن را در بیرون از خانواده و در جامعه که در برگیرنده روابط اجتماعی پدر و مادرها در بستگی که به وسیله این ساختار روابط به نمایش درمی‌آیند و در شبکه ارتباطات پدران و مادران با نهادها یافت (تاجبخش، ۱۳۸۴). برای سنجش این متغیر، دو بعد ارتباطات اجتماعی و عضویت در نهادها و انجمن‌ها در نظر گرفته شده است.

❖ سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده

شامل آن بعد از سرمایه است که به تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی از قبیل ادراکات از حمایت، بده‌بستان، اعتماد، هنجارها و ارزش‌ها در درون خانواده اشاره دارد و کنش‌های متقابل میان مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهند (۶). دو بعد برای سنجش این متغیر در نظر گرفته شده است که عبارت بوده‌اند از: (۱) صمیمیت بین همسران و (۲) اعتماد بین همسران.

❖ سرمایه اجتماعی شناختی بیرون از خانواده

به بعد دیگری از سرمایه اجتماعی اشاره دارد که تجلیات انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی است یعنی آن چیزی که افراد فکر یا احساس می‌کنند (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰). برای سنجش این متغیر دو بعد (۱) حمایت اجتماعی و (۲) اعتماد تعمیم یافته در نظر گرفته شده است.

یافته‌ها

در تحقیق حاضر دو دسته متغیر سرمایه اجتماعی درون و بیرون از خانواده حضور دارند که در هر دو گروه به بخش‌های شناختی و ساختاری تقسیم می‌شوند.

جدول (۲) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون از خانواده

| سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون از خانواده | تعداد | درصد |
|---|-------|------|
| ضعیف | ۱۱۳ | ۲۸/۲ |
| متوسط | ۲۲۹ | ۵۷/۲ |
| قوی | ۵۸ | ۱۴/۵ |
| جمع | ۴۰۰ | ۱۰۰ |

جدول (۳) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی شناختی بیرون از خانواده

| سرمایه اجتماعی شناختی بیرون از خانواده | تعداد | درصد |
|--|-------|------|
| ضعیف | ۱۲۲ | ۳۰/۵ |
| متوسط | ۲۰۹ | ۵۲/۲ |
| قوی | ۶۹ | ۱۷/۲ |
| جمع | ۴۰۰ | ۱۰۰ |

پس از بررسی ابعاد شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده، وضعیت توزیع پاسخگویان به لحاظ سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۴) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده

| درصد | تعداد | سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده |
|------|-------|---------------------------------|
| ۳۴/۵ | ۱۳۸ | ضعیف |
| ۵۱/۸ | ۲۰۷ | متوسط |
| ۱۳/۸ | ۵۵ | قوی |
| ۱۰۰ | ۴۰۰ | جمع |

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۱/۸ درصد) اظهار کرده‌اند که از سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده متوسطی برخوردارند. علاوه بر این، در حالی که ۳۴/۵ درصد (۱۳۸ نفر) میزان سرمایه اجتماعی بیرون از خانواده ضعیفی داشته‌اند، ۱۳/۸ درصد دسترسی قدرتمندی به این نوع سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

جدول (۵) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده

| درصد | تعداد | سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده |
|------|-------|-------------------------------------|
| ۲۱/۲ | ۸۵ | ضعیف |
| ۵۷/۵ | ۲۳۰ | متوسط |
| ۲۱/۲ | ۸۵ | قوی |
| ۱۰۰ | ۴۰۰ | جمع |

جدول (۶) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده

| درصد | تعداد | سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده |
|------|-------|------------------------------------|
| ۲۰/۲ | ۸۱ | ضعیف |
| ۳۷/۰ | ۱۴۸ | متوسط |
| ۴۲/۸ | ۱۷۱ | قوی |
| ۱۰۰ | ۴۰۰ | جمع |



پس از بررسی ابعاد شناختی و ساختاری سرمایه اجتماعی درون خانواده، وضعیت توزیع پاسخگویان به لحاظ سرمایه اجتماعی درون خانواده در جدول زیر آورده شده است:

جدول (۷) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده

| درصد | تعداد | سرمایه اجتماعی درون خانواده |
|------|-------|-----------------------------|
| ۱۷/۲ | ۶۹ | ضعیف |
| ۴۴/۵ | ۱۷۸ | متوسط |
| ۳۸/۲ | ۱۵۳ | قوی |
| ۱۰۰ | ۴۰۰ | جمع |

داده‌های جدول فوق حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان (۴۴/۵ درصد) از سرمایه اجتماعی درون خانواده متوسطی برخوردارند. علاوه بر این، در حالی که ۱۷/۲ درصد (۶۹ نفر) میزان سرمایه اجتماعی درون خانواده ضعیفی داشته‌اند، ۳۸/۲ درصد دسترسی قدرتمندی به این نوع سرمایه اجتماعی داشته‌اند. داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد همه زنان پاسخگو یکی از اشکال خشونت روانی را در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند. ۵۶ درصد زنان خشونت روانی متوسطی را گزارش کرده‌اند، در حالی که ۷/۸ درصد خشونت روانی زیادی را بیان داشته‌اند. علاوه بر این، ۳۶/۲ درصد اعمال خشونت روانی و عاطفی کمی از سوی شوهر علیه خود را متذکر شده‌اند.

جدول (۸) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان خشونت روانی و عاطفی

| درصد | تعداد | خشونت روانی و عاطفی |
|------|-------|---------------------|
| ۰/۰ | ۰ | اصلاً |
| ۳۶/۲ | ۱۴۵ | کم |
| ۵۶/۰ | ۲۲۴ | متوسط |
| ۷/۸ | ۳۱ | زیاد |
| ۱۰۰ | ۴۰۰ | جمع |

تحلیل رگرسیون چند متغیره برای تبیین متغیر وابسته (خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه زنان):

جدول (۹) خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان

| R | Rsquare | Adjusted R Square | F | Sig |
|------|---------|-------------------|-------|-------|
| ۰/۳۳ | ۰/۱۱۰ | ۰/۱۰۱ | ۱۲/۱۷ | ۰/۰۰۰ |

جدول (۱۰) ضرایب تاثیر مدل تبیین کننده میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان

| متغیر | B | Beta | T | sig |
|--------------------------------------|--------|-------|-------|--------|
| ضریب ثابت | ۱۶/۸۰ | ----- | ۱۶/۸۷ | ۰/۰۰۰ |
| سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده | -۰/۰۹۰ | -۰/۳۷ | -۵/۰۲ | ۰/۰۰۰ |
| سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده | -۰/۰۵ | -۰/۱۹ | -۳/۸۳ | ۰/۰۰۰ |
| سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده | -۰/۰۶۸ | -۰/۱۴ | -۳/۳۲ | ۰/۰۰۰ |
| سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده | -۰/۰۷ | -۰/۱۳ | -۲/۴۰ | ۰/۰۰۰۰ |

بر اساس داده‌های جدول (۹) ضریب همبستگی چند گانه (R) معادل ۰/۳۳ محاسبه شده که بیانگر این مطلب است که ۴ متغیر سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده و سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده به طور همزمان ۰/۳۳ با خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه زنان ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین (R²) معادل ۰/۱۱ محاسبه شده است، یعنی حدود ۱۱ درصد از تغییرات خشونت عاطفی و روانی شوهران علیه زنان از طریق متغیرهای ۴ گانه مذکور توضیح داده می‌شود و ۸۹ درصد باقی مانده متعلق به عوامل دیگری می‌باشد که خارج از این بررسی هستند. برای تشخیص اینکه سهم کدامیک از متغیرهای مستقل در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته یعنی خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان بیشتر است و سهم کدامیک کمتر، باید به جدول رگرسیونی مراجعه شود. در جدول معادله رگرسیونی اهمیت نسبی هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات وابسته با مشاهده مقدار ضرایب یا وزن‌های رگرسیونی به دست می‌آید که در تحقیق حاضر همه متغیرها دارای تاثیر



منفی بوده‌اند. به عبارت دیگر با افزایش هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی از میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان کاسته شده است.

ضرایب تاثیر استاندارد موجود در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که متغیر سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده با ضریب تاثیر رگرسیونی ($Beta = -0.37$)، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده خشونت روانی و عاطفی علیه زنان می‌باشد. در رتبه دوم، متغیر سرمایه اجتماعی شناختی بیرون خانواده با ضریب استاندارد رگرسیونی ($Beta = -0.14$) قرار دارد که نسبت به دو متغیر دیگر یعنی سرمایه‌های اجتماعی ساختاری درون و بیرون خانواده قدرت پیش‌بینی بیشتری دارد. در رتبه سوم متغیر سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده قرار دارد که نسبت به سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون خانواده دارای قدرت تبیین بیشتری می‌باشد. در مرتبه آخر نیز متغیر سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده قرار دارد که با ضریب تاثیر استاندارد رگرسیونی ($Beta = -0.13$) کمترین قدرت پیش‌بینی را در بین ۴ متغیر مستقل موجود در مدل داراست. این موضوع نشان می‌دهد که متغیرهای سرمایه اجتماعی از نوع شناختی در بیرون و درون خانواده در پیش‌بینی خشونت شوهران علیه زنان از قدرت بالاتری برخوردار باشند.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره، رابطه معکوس و معناداری میان سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می‌یابد.

باید در نظر داشت که سرمایه اجتماعی ساختاری درون خانواده، مشکل از دو مولفه اصلی حضور همسران در خانواده و تعامل آنان با یکدیگر بوده است. لذا این نتیجه نشان می‌دهد که افزایش هر چه بیشتر تعامل میان زوجین در عرصه انتخاب‌های زندگی می‌تواند تفاهم هر چه بیشتر و رضایت بالاتر از زندگی را در پی داشته باشد و از این رو، کاهش خشونت شوهران علیه زنان را در پی داشته باشد. رابطه معکوس و معناداری میان سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی شناختی درون خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می‌یابد. نتایج نشان می‌دهد که صمیمیت میان همسران و اعتماد میان همسران می‌تواند منابعی برای پیشگیری از خشونت

شوهران علیه زنان باشند و در مواقع حساس و تنش‌زا زنان را در برابر خشونت محافظت نمایند. از این منظر می‌توان بیان داشت که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی شناختی در درون خانواده، میزان شناخت همسران از یکدیگر افزایش پیدا می‌کند. بالا رفتن میزان شناخت زوجین از یکدیگر می‌تواند کاهش سطح اختلافات و به شیوه‌ای مشابه کاهش سطح خشونت را در پی داشته باشد. رابطه معکوس و معناداری میان سرمایه اجتماعی شناختی بیرون از خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی شناختی بیرون از خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می‌یابد. این نتیجه به این معناست که هر چه میزان روابط اجتماعی نزدیک بین زنان با خانواده پدری و دوستان افزایش پیدا کند، میزان خشونت شوهران کاهش خواهد یافت. رابطه معکوس و معناداری میان سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون از خانواده و خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان مشاهده شده است. این بدین معناست که با افزایش سطح سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون از خانواده، میزان خشونت روانی و عاطفی شوهران علیه زنان نیز کاهش می‌یابد.

باید در نظر داشت که سرمایه اجتماعی ساختاری بیرون از خانواده، متشکل از دو مولفه اصلی ارتباطات اجتماعی و حضور در انجمن‌ها و نهادها می‌باشد. در مباحث نظری مربوط به کلمن گفته شد که وقتی فرد ارتباطات متقابل خود را گسترش می‌دهد، به تکیه‌گاه‌هایی دست می‌یابد که در زمان نیاز روحی یا مادی یا نیاز به خدمات، فرد را قادر می‌سازد که خود را دارای امنیت بیشتر و مطمئن‌تر احساس کند. علاوه بر این، سرمایه مادی و خدماتی که افراد از یک رابطه اجتماعی به دست می‌آورند، سرمایه جایگزینی به حساب می‌آیند که فرد را در مواجهه با موقعیت‌های سهمگین یاری می‌کند. این گونه، هرچه روابط اجتماعی و مشارکت در شبکه روابط اجتماعی بیشتر شود، سرمایه جایگزین بیشتری نصیب فرد می‌شود از این رو زنان نه تنها، کمتر قربانی خشونت شوهرانشان می‌شوند بلکه پذیرش شان نسبت به خشونت شوهر نیز کاهش می‌یابد. این بدین دلیل می‌باشد که، اولاً زنانی که منابع اجتماعی بیشتری دارند، در واقع به سرمایه‌های اجتماعی بیش‌تری دسترسی دارند تا در هنگام وقوع خشونت شوهر بر آن‌ها تکیه کنند یا بدان‌ها پناه ببرند و ثانیاً این سرمایه‌های اجتماعی تاثیر مهم دیگری نیز دارند و آن افزایش اطلاعات است. اطلاعات فرد را قادر می‌سازد تا به مهارت‌های مواجهه با مشکل دست یابند. اینان بدین مطلب واقف می‌شوند که اعمال خشونت شوهر راه حل

مشکلات خانوادگی نیست، بنابراین نسبت به آن موضع گیری منفی پیدا می کنند. در نهایت با توجه به نتایج پژوهش حاضر و اینکه خشونت در خانواده و علیه زنان، عوارض مخرب و همه گیری در سطح خانواده و اجتماع دارد و از یک طرف، پایه های خانواده پایدار برای پرورش نسل های جامعه را سست و لرزان می سازد و از طرف دیگر، حضور و مشارکت نیمی از اعضای جامعه را در فعالیت های اجتماعی با خلاء روبرو می کند، لزوم توجه به زنان خشونت دیده و تدوین استراتژی های مناسب جهت کاهش مسئله یاد شده ضروری به نظر می رسد.

نتیجه گیری

امنیت اجتماعی به عنوان پدیده ای در مسیر تحولات اجتماعی برسر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرد. اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود. در سطح جامعه هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط های اجتماعی با لاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد. امنیت اجتماعی در سطح خانواده و کاهش خشونت های خانگی به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره مندی از فرصت های اجتماعی خانواده تعریف می گردد.

قداست خانواده امری است که همه ما باید به آن احترام بگذاریم. در جایی که روابط والدین صمیمی و در یک تعامل دوستانه صورت می گیرد، قطعاً فرزندان سالم و در نهایت جامعه ای امن و سالم خواهیم داشت. هنگامی که روح خانواده از طریق خشونت آسیب دید و با نشانه های سردی در روابط و دل زدگی زوجین عجین شد پیامد آن انواع آسیب های اجتماعی خواهد بود که امنیت اجتماعی عمومی را هم آسیب خواهد زد.

در واقع این بُعد از امنیت در هر جامعه ای در استمرار ارزش های محوری و حیاتی نظام فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه نقش بارزی دارد، تداوم این موضوع در ساختار جامعه در جهت تکوین هویت اجتماعی، ایجاد انسجام جمعی و حفظ همبستگی بین شهروندان باعث می شود که انحرافات و تهدیدهای فرهنگی و اجتماعی در سطح داخلی که موجب برهم زدن نظم و سامان اجتماعی می شود کاهش یابد.

امنیت به عنوان نیاز اساسی برای افراد جامعه در ارتباط متقابل با عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشد. امروزه نقش و اهمیت این مسئله در پیشرفت هر جامعه ای تا بدان پایه است که آن را بستر و پیش نیاز هر گونه توسعه ای می دانند.

وجود امنیت اجتماعی به عنوان یکی از تمهیدات در راستای حفظ حیات گروه‌های اجتماعی و برخورداری آن‌ها از فرصت‌ها و امکانات و تسهیلات به منظور دستیابی به اهداف مورد نظر خویش مطرح شده است. در این راستا معنای امنیت اجتماعی به عنوان یک مفهوم پیچیده هر چند که تعریف آن به عنوان یک پدیده ادراکی و احساسی است، مورد توجه قرار گرفته است. حال باید دید که خشونت خانوادگی و تأثیرات آن بر امنیت اجتماعی در جامعه چگونه می‌باشد.

پیامدهای خشونت را می‌توان به دو دسته در خانواده و در جامعه تقسیم کرد.

۱. **خشونت در خانواده:** خشونت در محیط‌های خانوادگی اساساً یک رفتار مردانه است.

یک نوع از خشونت خانوادگی، تجاوز فیزیکی توسط یک عضو خانواده علیه عضو دیگر صورت می‌گیرد.

دومین نوع خشونت معمول در خانواده، علیه زنان است.

احساس عدم کفایت در مدیریت، احساس درماندگی و سستی، کاهش رضایت از زندگی، بدبینی نسبت به جنس مذکر، تأثیر منفی بر تصور ذهنی از خود، عدم کارایی زن در محیط کار و ... از جمله تأثیرات منفی رفتارهای خشونت آمیز مردان علیه زنان در خانواده می‌باشد.

۲. **خشونت در جامعه:** احساس عدم امنیت اجتماعی، احساس نیازمندی به پشتیبانی و مراقبت به جهت ترس از خشونت‌های مختلف، ایجاد اختلال در روابط سالم اجتماعی.

در جمع بندی از نتایج یافته‌های پژوهش‌های گوناگون در ایران می‌توان پیامد خشونت علیه زنان را به موارد زیر دسته بندی کرد:

۱. **پیامد روانی:** نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که به عقیده زنان، خشونت بیش از هر پیامد دیگری، دارای پیامد روانی برای قربانی خشونت دارد.

۲. **عواقب ذهنی:** استرس و ترس، افسردگی، اضطراب در امور ساده روزمره، اختلال‌های جنسی، اختلال در رفتاری و سواس گونه، فشار روحی که منجر به آسیب رساندن به خود شخص گردد.

۳. **اخلال در کارآمدی خانواده و روابط اجتماعی:** خانواده به عنوان

محیطی صمیمی باید به دور از هر گونه خشونت باشد. چون وجود آن خللی در روابط میان اعضای خانواده به وجود می‌آورد که به نوبه خود بر روابط اجتماعی افراد نیز تأثیر گذاشته و آن را دچار مشکل می‌کند. این افراد در

محیط‌های کاری افسرده‌اند. بیشتر در جای دیگر سیر می‌کنند و روی کار خود چندان تمرکزی ندارند بنابراین کارایی آنان پایین است. تمایل به رفتارهای بزهکارانه، مصرف مواد مخدر، خودکشی در میان افرادی که قربانی خشونت هستند، بیشتر است و رفتار مناسبی نیز در برخورد با افراد ندارند. در مجموع ای پیامدهای مهم خشونت می‌توان به طلاق، خودکشی، خطر مرگ برای زنان اشاره کرد که همه انواع آسیب‌های اجتماعی فضای اجتماعی عمومی و امنیت اجتماعی را دچار چالش خواهد کرد.

Archive of SID

مراجع

- اعزازی، شهلا (۱۳۸۳)، « ساختار جامعه و خشونت »، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۴۷-۸۴.
- سازمان جهانی بهداشت (۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان، ترجمه شهرام رفیعی فر و سعید پارسی نیا، تهران: تندیس.
- مشکاتی، محمد رضا (۱۳۷۴)، «سنجش تاثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان»، مجله جامعه شناسی دوره چهارم، شماره ۲۰: ۲۵-۱۳.
- پور موسوی، رضا (۱۳۸۰)، خشونت علیه زنان. تهران: ایران.
- کار، مهر انگیز (۱۳۸۰)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- علیوردی نیا، اکبر، شارع پور محمود و ورمزیار، مهدی (۱۳۸۷) سرمایه اجتماعی خانواده و بزهکاری، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۲: ۱۳۲-۱۰۷.
- شارع پور، محمود (۱۳۷۹)، سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است، کتاب ماه علوم اجتماعی، مهر و آبان ماه، صص: ۱۵-۱۷.
- قراچه مریم، آزادی شهذخت، افراسیابی فر اردشی (۱۳۹۰) بدرفتاری همسر و کیفیت زندگی زنان متاهل، روانشناسی کاربردی، ۵(۱۹): ۵۵-۶۴.
- ملکی امیر، نژادسبزی پروانه (۱۳۸۹) رابطه مولفه های سرمایه اجتماعی خانواده با خشونت خانگی علیه زنان در شهر خرم آباد، بررسی مسایل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۱(۲): ۳۱-۵۳.
- علیوردی نیا، اکبر، ریاحی محمد اسماعیل، فرهادی محمود (۱۳۹۰) تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰: ۹۵-۱۲۷.
- همتی، رضا (۱۳۸۲)، «بررسی فراوانی همسر آزاری و عوامل موثر بر آن در منطقه اسلام آباد زنجان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی زنجان، شماره ۵۰: ۳۶-۴۳.
- اعزازی، شهلا (۱۳۸۰)، خشونت خانوادگی زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۷۷) دموکراسی و سنت های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در حیات اجتماعی و

- اقتصادی، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی (ویژه نامه سرمایه اجتماعی) دوره نهم، شماره ۲: ۱۰-۱۶.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲)، روشهای تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - چلبی، مسعود (۱۳۸۰)، جزوه درس روش تحقیق، دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
 - علیوردی نیا، اکبر، ریاحی محمد اسماعیل، فرهادی محمود (۱۳۹۰) تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزموننی تجربی، مسائل اجتماعی ایران، سال دوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۰: ۹۵-۱۲۷.
 - تاجبخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی، تهران، نشر شیرازه.
 - Wrght, john; Cullen, paul; francis t.; Miller , Jeremy (2001)» Family Social Capital and Delinquent Involvement», journal of criminal justice, :29 9-1.
 - Chan Ko Ling (2011) , Co-Occurrence of Intimate Partner Violence and Child Abuse in Hong Kong Chinese Families J Interpers Violence 1342 -1322 :26 2011.
 - Kapsa M. and Michele R. Aryaga (2008), Frequency and Perceived Effectiveness of Strategies to Survive Abuse Employed by Battered Mexican-Origin Women, Violence Against Women 1294-1274 :14.
 - Cramer, P. (2000). Defense Mechanisms in Psychology Today: Further Processes for Adaptation. American Psychologist, 646-637 ,(6) 55.
 - Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency. Criminology 88 47 :30.